



بدون شک می‌توان عصر امام باقر و امام صادق علیهماالسلام را آغازگر حرکتی نوین در تشکیلات جامعه شیعه دانست. در عصر این دو امام بزرگوار دعوت شیعی در اقصی نقاط جهان بویژه عراق، حجاز و خراسان ریشه دوانیده و قشر وسیعی را به خود متوجه کرده و حتی در دایره‌ای محدودتر به صورت یک پیوند فکری و عملی که می‌توان از آن به یک «تشکیلات حزبی» تعبیر کرد، درآمده است. آن روزی که امام سجاد(ع فرمودند: «در همه حجاز، دوستان و علاقه‌مندان ما به ۲۰ نفر نمی‌رسند»^[۱] سپری شده و اکنون هنگامی که امام باقر(ع) به مسجد پیامبر(ص) در مدینه وارد می‌شود، جماعت انبوهی از مردم خراسان و دیگر مناطق گرد او را می‌گیرند و از مسائل فقهی سوال می‌کنند.^[۲]

■ **عصر امام باقر علیه‌السلام؛ دوران طلوع تشکیلات وکالت**
در هر نظام دینی، سیاسی و اجتماعی، ارتباط بین رهبری و اعضای آن اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین باید کسانی از سوی امامان شیعه تعیین می‌شدند و نقش ارتباطی را بین امام معصوم (به عنوان رهبر جامعه) و شیعیان بر عهده می‌گرفتند. با توجه به گستره اقلیم و پراکندگی شیعیان در جای‌جای عالم که موجب دشواری ارتباط مستقیم‌شان با «امام» می‌شد و از طرفی لزوم اطلاع‌رسانی به جامعه شیعیان از روند حکومت امامان شیعیه، موضع‌گیری‌ها، روشنگری‌ها و همچنین بلوغ فکری اصحاب و پیروان راستین اهل‌بیت موجب شد نهاد «وکالت» برای انسجام‌بخشی و تقویت تشکیلاتی شیعیان پایه‌گذاری شود.

■ **نهاد وکالت؛ چیستی و چرا می؟**

نهاد «وکالت» مجموعه‌ای از فعالیت‌های هماهنگ وکلای اسام با رهبری واحد امام بود که‌ از زمان امام باقر و امام صادق علیهماالسلام مطرح شد که هر کدام از آنها دارای وظایف مشخص و ویژگی‌هایی بود. جریان‌سازی سیاسی و اجتماعی، اطلاع‌رسانی بیانات و فرمایشات ائمه، پاسخگویی به سولات و دریافت وجوهات شرعی و همچنین فعالیت‌های تبلیغی، از جمله وظایفی است که وکلای امام داشتند. رهبر نهاد وکالت وظایفی چون نصب و عزل وکلا، معرفی چهره‌های مثبت یا منفی‌شان به جامعه شیعه، نظارت بر فعالیت‌های وکلا، معرفی جریان‌های دروغین وکالت و امور دیگری را به عهده دارد. البته در زمان امام حسن عسکری(ع) به‌دلیل گسترش نهاد وکالت و تعداد وکلای امام، کسانی به عنوان «وکیل ارشد»، کار نظارت بر فعالیت وکلای یک یا چند منطقه را

برعهده داشتند. به‌طور مثال می‌توان از «ابراهیم بن عبده» نماینده امام در نیشابور یاد کرد که شاع وکالت و فعالیت وی تمام نواحی نیشابور را بر بر می‌گرفت.^[۳]

■ **فعالیت تشکیلات وکالت در عصر امام صادق علیه‌السلام**
امام صادق علیه‌السلام تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصا نقاط خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا را به وجود آورده بودند. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی وقتی امام صادق علیه‌السلام اراده می‌کند آنچه را که او می‌خواهد بداندند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهات و بودجه برای اداره مبارزه سیاسی عظیم آل علی جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه شهرها باشند که پیروان امام صادق علیه‌السلام به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند.^[۴]

■ **واقفیه» و تنها وکالت در عصر امام موسی بن جعفر علیه‌السلام**
اگرچه در دوران امامت امام موسی بن جعفر، اوج التزام تشکیلات شیعه به نهاد وکالت به وضوح دیده می‌شود به نحوی که امام هفتم شیعیان در زندان‌های حکام جور به اسارت گرفته شده اما از طریق وکلای خود، تشکیلات جامعه شیعه را پخوبی مدیریت می‌کند اما پس از شهادت ایشان شاهد رویشی گسترده آکه البته ریزشی هم به‌دنبال دارد! می‌شویم. عده‌ای از وکلا پس از شهادت امام کاظم علیه‌السلام به امامت امام رضا ایمان نیاوردند و معتقد بودند امام موسی بن جعفر علیه‌السلام زنده و از نظرها غایب است. اما چرا وکلا از قبول امامت علی بن موسی‌الرضا امتناع کردند؟ بنیانگذاران واقفیه ۳ نفر به نام‌های «علی بن ابی‌حزمه بطائنی»، «زید بن مروان قندی» و «عثمان بن عیسی» از وکلای امام کاظم علیه‌السلام بودند و اموال فراوانی آیش از ۲۰۰ هزار دینار طلا را که مربوط به آن حضرت بود در اختیار داشتند. آنان برای تصاحب این اموال ادعا کردند موسی بن جعفر علیه‌السلام زنده و غایب است چرا که در صورت اقرار به امامت حضرت رضا نه‌تنها اموال را غصب کردند بلکه از این امکانات جهت فریب دادن شیعیان دیگر مانند: حرمه بن بزیع، ابن‌مکازی و کرام خضعی استفاده کردند.^[۵]

تاملات

نگاهی به روند تکامل تشکیلات اجتماعی و سیاسی جامعه شیعی

از عصر وکالت تا عصر نیابت

- میلاد امینی موحد

بود که در زمان امامت حضرت حجت‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به منصب نیابت خاص امام دوازدهم رسید. وی از سوی امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام به وکالت برگزیده شد و حضرات ائمه اطهار علیهمالسلام بر اعتماد خود نسبت به وی بارها تأکید کردند.^[۶] عثمان بن سعید در رأس سلسله‌مراتب وکلا قرار داشت و کارگزاران یمن در دوران امام عسکری علیه‌السلام زیر نظر مستقیم عثمان بن سعید انجام وظیفه می‌کردند.^[۷] احمد بن اسحاق از دیگر وکلای برجسته امام عسکری بود که از شخصیت‌های مطرح عمیق ابی‌عباس و در دوران استقرار و ثبات کامل آن رژیم، مبارزات عمیق امامت را ادامه داد. در دوران امام رضا و امام جواد علیهماالسلام نیز فعالیت نهاد وکالت همچنان تداوم یافت. در دوران امام جواد علیه‌السلام کارگزاران و وکلای امام در بسیاری از ولایات مانند سیستان، بست، ری، کوفه و قم فعالیت داشتند.^[۸] در چند سال آخر امامت ایشان، تشکیلات و فعالیت‌های وکلای امام جواد توسعه یافت. امام نهم با شنیدن فرمان معصم درباره احضار ایشان به بغداد، از نماینده خود «محمد بن فرج»، خواست وجوهات شرعی را به فرزند ایشان، امام علی‌التقی‌الهادی علیه‌السلام بدهد.^[۹]

■ **ایفای نقش مرجعیت از سوی وکلای امام جواد**

پس از شهادت امام جواد علیه‌السلام در سال ۲۲۰هـ.ق، وکلای برجسته جلسه‌ای سری در منزل «محمد بن فرج» تشکیل دادند تا امام هادی علیه‌السلام را به عنوان پیشوای جدید معرفی کنند.^[۱۰] به‌دلیل عدم امکان تماس مستقیم بین امام و شیعیان، نقش سیاسی و مذهبی نهاد وکالت افزایش یافت و بتدریج تنها مرجعی شد که می‌توانست حقایقت امام جدید را تعیین و ثابت کند.

■ **علی بن مهزیار وکیل امام هادی در اهواز**

در دوران امام هادی علیه‌السلام نیز نهاد وکالت فعالیت خود را ادامه داد و آرام‌آرام برای انقلابی در تشکیلات شیعه آماده می‌شد. از جمله وکلای آن امام، علی بن مهزیار^[۱۱] و ابراهیم بن محمد همدانی بودند. در این دوران بود که خلفای جور از جمله متوکل به تشکیلات پنهان شیعه پی برده و برخی وکلا را بازداشت و دستگیر کردند، از جمله علی بن جعفر از وکلای امام هادی علیه‌السلام به دستور متوکل زندانی شد. وی پس از آزادی از زندان به دستور امام هادی علیه‌السلام به مکه رفت.^[۱۲] برخی وکلای امام هادی علیه‌السلام در بغداد، مدائن، کوفه و سواد، زیر شکنجه‌های مزدوران به شهادت رسیدند.

■ **سرانجام تشکیلات پنهان شیعه در زمان متوکل عباسی**

اگر چه اقدامات متوکل لطماتی جدی بر نهاد وکالت وارد آورد اما امام دهم برای رفع خلأ ناشی از دستگیری وکلا، کارگزاران جدیدی منصوب کرد از جمله ابوعلی بن راشد را به عنوان وکیل خود در ناحیه بغداد و مدائن و سواد برگزید و ایوب بن نوح را به کارگزاری خود در کوفه منصوب کرد.^[۱۳] در هیچ زمانی ارتباط شیعه و گسترش تشکیلاتی شیعه در سرتاسر دنیای اسلام، مثل زمان حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری نبوده است. وجود وکلا و نواب فراوان نشان‌دهنده این معناست.^[۱۴]

■ **تأثیر گذاری نهاد وکالت در عصر امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام**

در دوران امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام به دلیل فشار خلفای عباسی بر ائمه و خفقان سیاسی حاکم بر جامعه فعالیت نهاد وکالت فزونی یافت و این دو امام بزرگوار نیز به همین دلیل با تقویت نهاد وکالت، ارتباط خود با شیعیان را حفظ کردند. عثمان بن سعید از برجسته‌ترین وکلای امام عسکری علیه‌السلام نزد صاحبان آن ویژگی‌ها امر می‌کنند. در واقع عصر نیابت عام و

از عصر وکالت تا عصر نیابت

ولایت ولی‌فقیه بر مسلمین امتداد نهاد ولایت رسول خدا و ائمه طاهرین و همچنین نهاد وکالت از زمان امامت امام باقر و امام صادق علیهماالسلام است. حرکت تشکیلات شیعه که روز به روز به سوی رشد و تعالی بدون توقف در حال حرکت است، بعد از دوران وکالت و نیابت خاص تا نیابت عام در هیچ نقطه دیگری تغییر ساختاری نخواهد داشت جز در عصر حضرت مهدی که نهاد ولایت‌فقیه به امامت حجت دوازدهم منتقل خواهد شد. به امید روزی که شاهد صبح ظهور بوده و در سباهش توفیق حضور داشته باشیم.

پی‌نوشت

۱- شرح‌النهج، ج ۴، ص ۱۰۴؛ و بحار، ج ۴۶، ص ۱۴۳

۲- کتاب انسان ۲۵۰ساله، ۲۷۴

۳- ابوعمرو محمد بن عبدالعزیز الکشسی، رجال‌الکشی، تصحیح

میرداماد استرآبادی، مؤسسه آل‌البیت، صص ۵۸۰ و ۵۸۱

۴- کتاب انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۱۱

۵- طوسی، القیبه، ۴۱۷ق، ص ۴۲.

۶- الکافی، ج ۸، ص ۲۵۷

۷- اصول کافی، ج ۵، ص ۱۱۱ و ج یک، ص ۵۴۸

۸- مناقب ابن‌شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۸۹

۹- اصول کافی، ج یک، ص ۳۲۴

۱۰- نجاشی در رجال خود از وی این چنین یاد می‌کند: «ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی؛ او از مردم دورق بود و از مولای است. پدرش نصرانی بود و اسلام آورد و گفته‌اند علی نیز در صغر سن نصرانی بود ولی بعد مسلمان شد و خدا با شناخت اسلام و مذهب تشیع بر وی منت نهاد. برخی معتقدند وی اهل «هندیجان» است. در دوره‌های گذشته «هندیجان» از شهرهای دورق قدیم یا «شادگان» امروزی محسوب می‌شد.

۱۱- کتاب رجال‌الکشی، صص ۶۰۷ و ۶۰۸

۱۲- همان، صص ۵۱۳ و ۵۱۴

۱۳- کتاب انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۹۴

۱۴- کتاب‌القیبه شیخ طوسی، ص ۲۲۹

۱۵- همان، ص ۳۳۱

۱۶- کتاب‌الرجال نجاشی، ص ۶۱

۱۷- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶

۱۸- ر.ک: کتاب وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰؛ ابن‌بویه (به شیخ صدوق)، عَن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامِ عَن مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَن إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَرََانَ الْعُمَرَى أَن يُوصِلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَن مَسَائِلَ أَشْكَكَتَ عَلَيَّ فَوَزَّعَ التَّوْبِيعَ يَحْطُ مُؤَلَّأًا صَاحِبَ الرِّمَآنِ -عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف- .أَمَّا مَا سَأَلْتُ عَنْهُ أُرْشِدَكَ اللَّهُ وَ تَبَيَّنَ لِي أَنِّي قَالَ وَ أَمَّا الْخَوَاتِمُ الْوَالِقَةُ فَأَرْجُو أَنِ فِيهَا إِلسَى رِوَاهُ حَدِيثَنَا فَإِنِّي خَرَجْتُ عَلَيْكَم وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرََانَ الْعُمَرَى رَضِيََ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَن أَبِيهِ مِنْ قَبْلِ فَإِنَّهُ تَقَبَّى وَ كِتَابُهُ كِتَابِي.

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: «از محمد بن عثمان -رضی‌الله‌عنه- پرسیدم که برایم بپیش آمده بود، به ناحیه مقدسه تقدیم دارد. (و هم پذیرفت و جواب آن به خط مولایم امام زمان(عج) بدین قرار صادر شد: «خداوند تو را هدایت کند و بر اعتقاد حق ثابت و پایدار بدارد. اما حوادثی که برای شما پدید می‌آید (و حکم آن را نمی‌دانید) پس رجوع کنید به روایان حدیث ما، زیرا آنها حجت من بر شما هستند و من هم حجت خدا بر آنها هستم.

و اما محمد بن عثمان عمری که خداوند از وی و از پدرش خشنود باشد، مورد وثوق من و نوشته او نوشته من است.

می‌دهد (هرچند وضعیت سیاسی شیعیان سعودی متفاوت است و آنان در اقلیت هستند). می‌گویند بیش از ۴۵ درصد بودجه بحرین را عربستان سعودی تأمین می‌کند و در صورت صحت این امر، این موضوع باعث می‌شود عربستان بتواند براحتی در امور داخلی بحرین دخالت کند.

■ **اقدام بعدی معترضان چه خواهد بود؟**

شیعیان بحرین معتقدند این امر مسبوق به سلباقه بوده و سرایان ضد شورش سعودی سال ۱۹۷۵ نیز وارد بحرین شدند و به سرکوب شدید معترضان پرداختند. با عنایت به این قضایا و همچنین مواضع مقامات سعودی در تحولات سال‌های اخیر بحرین، به نظر می‌رسد می‌توان این فرض را پذیرفت که سعودی‌ها عامل قدرتمندی در ترغیب آل‌خلیفه به انعطاف‌ناپذیری علیه منتقدان و اتخاذ روش‌های سرکوبگرانه علیه آنها هستند. اما به‌رغم همه موارد فوق‌الذکر، شرایط فعلی و واقعیات میدانی بحرین نشان‌دهنده آن است که هیچ تضمین صددرصدی و قطعی برای خودداری دائمی مخالفان از دست بردن به سلاح و شروع اقدامات مسلحانه علیه حکومت بحرین وجود ندارد. به عبارتی دیگر اگر شرایط به گونه‌ای پیش برود که منتقدان بحرینی به این نتیجه برسند که نظام فعلی بحرین، به‌هیچ‌وجه قابل اصلاح نیست و آل‌خلیفه قصد ندارد هیچ روزنه‌ای از امید و تعامل را در این کشور بگشاید، یقیناً فضا به سمت خشنوت و درگیری مسلحانه و اقدامات تقابل‌جویانه خواهد رفت و شرایط را برای رژیم آل‌خلیفه، بشدت وخیم و هزینه‌زا خواهد کرد. در این بین باید به این نکته مهم نیز عنایت داشت که انگ زدن به منتقدان و متهم کردن آنها به جاسوسی و خیانت و براندازی یا وابستگی به کشورهای دیگر (بویژه جمهوری اسلامی ایران) نیز ابزار موثری برای کشیدن ترمز اعتراضات و تحركات معترضان نیست و جز هرچه بیشتر تیره شدن روابط بحرین با همسایه قدرتمندش، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت.

■ **پژوهشگر مسائل خاورمیانه**

منبع: **پایگاه پژوهش خبری صداسوسما**

آینده بحرین به کدام سو می‌رود؟

تغییر رویه خود در قبال معترضان نخواهد کرد. به‌عنوان مثال، در هفته‌های اخیر، ماموران آل‌خلیفه ۱۰ نفر از جوانان شیعه بحرینی را به بهانه دست داشتن در انفجاری تروریستی در منطقه «جد حفص» که به کشته و زخمی شدن ۹ پلیس بحرینی انجامید، بازداشت و زندانی کردند. همچنین مجدداً ماموران آل‌خلیفه برای چندمین بار به منزل آی‌الله شیخ عیسی قاسم هجوم برده‌اند و به تهدید ایشان و خانواده و یاران‌شان پرداخته‌اند. در مقابل این اقدامات، شاید تأکید همیشگی معترضان بویژه بزرگ‌ترین گروه شیعه بحرینی یعنی «جمعیت الوفاق الوطنی» بر مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات‌شان، حکومت آل‌خلیفه را دچار یک اشتباه



محاسباتی کرده که احتمال وقوع هیچ‌گونه اعتراضات سخت و احیاناً مسلحانه‌ای در آینده وجود نخواهد داشت. این محاسبه، شاید در کوتاهمدت درست باشد اما به‌نظر می‌رسد چنانچه حکومت بحرین نخواهد امتیازی (ولو اندک و نه چندان عمیق و چشمگیر) به معترضان بدهد و کماکان سیاست «سرکوب با مشت آهنین» را دنبال کرده و به هر بهانه‌ای به قلع و قمع و تشدید فشار بر منتقدان

آنها صورت گرفته، مصداقی برای این مدعااست.

■ **نقض آشکار حقوق بشر در بحرین و سکوت غرب**

اخیرا «بایقر درویش»، رئیس انجمن حقوق‌بشر بحرین نیز از روش‌های گوناگون و متنوع رژیم آل‌خلیفه برای سرکوب و نقض حقوق‌بشر در بحرین و شکنجه معترضان زندانی پرده برداشته است. وی ۲۱ روش را در این زمینه برشمرده است که مواردی همچون بی‌توجهی و عدم رسیدگی به وضعیت زندانیان بیمار و مجروح، جلوگیری از دسترسی زندانیان به آب شرب سالم، ممانعت از استفاده زندانیان از نور آفتاب، ضرب و جرح و تهدید آنها و خانواده‌های‌شان در این دسته قرار می‌گیرند. به موازات سرکوب شدید زندانیان سیاسی بحرینی توسط رژیم آل‌خلیفه، این رژیم سرکوب نهاده‌ا و مؤسسات انقلابی در کشور را نیز به پیش می‌برد. در همین ارتباط، اخیرا رژیم آل‌خلیفه مدعی شد «جمعیت وعد» از تروریسم حمایت می‌کند. دادگاه استیناف بحرین اعلام کرد «جمعیت وعد» با «جمعیت وفاق ملی اسلامی» که پیش‌تر منحل شده، اعلام همبستگی کرده است. درست به همین دلایل، دادگاه استیناف بحرین که در واقع تحت تأثیر القاتل آل‌خلیفه قرار دارد، حکم انحلال «جمعیت وعد» را تأیید کرد. همچنین ابراهیم الشریف، موسس سنی‌مذهب و سکولار این جمعیت توسط دادگاه آل‌خلیفه به اتهام تحریک علیه‌نظام به زندان محکوم شد. البته چنین به نظر می‌رسد که رژیم آل‌خلیفه نیز به‌واسطه دستگیری و بازداشت یا تهدید رهبران اصلی معترضان نظیر شیخ علی سلمان و شیخ عیسی قاسم و منحل کردن گروه‌ها و احزاب اصلی منتقد، از قدرت و توانمندی خود در کنترل اوضاع مطمئن شده است و تلاش چندانی برای

^[1] به موازات سرکوب شدید زندانیان سیاسی بحرینی توسط رژیم آل‌خلیفه

^[2] به موازات سرکوب شدید زندانیان سیاسی بحرینی توسط رژیم آل‌خلیفه